

« تذكرة أصول التذكير وتبصرة وجوه التقرير »

مجلس في ذكر فضائل رسول الله ﷺ^١

نجم الدين ابوحفص عمر نسفي

(متوفى ٥٣٧ هـ)

^١ این اثر بخشی از رساله «تذكرة أصول التذكير وتبصرة وجوه التقرير» نوشته امام نجم‌الدین نسفی است. این رساله حاوی ۲۸ «مجلس» و عظمی و تقریرات به عربی و فارسی می‌باشد، و مجلس سوم الی مجلس ششم آن درباره فضائل رسول الله ﷺ است. این رساله در کتاب دایره المعارفی امام نجم‌الدین نسفی بنام «مجمع العلوم ومطلع النجوم» درج است، که نسخه خطی آن در اکادمی علوم ازبکستان به شماره ۱۴۶۲ نگهداری می‌شود.
متن حاضر حاوی بخش‌هایی از مجلس سوم و چهارم رساله اصول التذکیر است.
این متن را دکتور محمد عمر جويا از روی نسخه خطی ازبکستان تصحیح نموده، و توسط مرکز مجازی مطالعات اسلامی و احیای آثار اسلامی بینات (Bayyinat.org) به نشر می‌رسد. میزان/ مهر ۱۴۰۱.

متن رساله:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قال نجم الدين رضي الله عنه: أخبرني الحسن بن عبد الملك، قال: أخبرني الحاكم جعفر بن محمد، قال: أخبرني علي بن الحسين، قال: أخبرني القسام، قال: أخبرني اللؤلؤي، قال: أخبرني جعفر عبد الله، قال: أخبرني جرير، قال: أخبرني الأعمش، عن عبيد بن عمير، عن أبي ذر رضي الله عنه قال:

«طلبت رسول الله صلى الله عليه وسلم ليلة من الليالي، فقبل خرج، فانطلقت أطلبه، فوجدته قائماً يصلي فأطال الصلاة. ثم قال: إني أوتيت الليلة خمساً لم يؤتها نبي قبلي: أرسلت إلى الأحمر والأصفر، ونصرت بالرعب شهراً، وجعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً، وأجلت لي الغنائم، وقيل لي سل تعطه، فاخبتأتها شفاعاً لأمتي، فهي ثابتة إن شاء الله لمن لا يشرك بالله شيئاً.»^٢

قال نجم الدين رضي الله عنه:

خداوند عزوجل مر مصطفی را علیه السلام از چند نام خود نام داد:

گفت: من رؤوف ام، رحيم ام، ﴿إِنَّ اللَّهَ بِالتَّائِبِينَ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ١٤٣].

مصطفی را گفت: وی رؤوف رحيم است، ﴿بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ١٢٨].

[گفت: من عظيم ام، ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥].

مصطفی را گفت: وی عظيم است، ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ٤].

^٢ ترجمه: «نجم الدین نسفی گفت که الحسن بن عبدالمملک [نسفی] مرا خبر داد که ... ابوذر [غفاری] رضی الله عنه گفت: در یکی از شبها، پیامبر ﷺ را جستجو کردم. [برایم] گفته شد که: بیرون رفته است. پس برای پیدا کردنش برآمدم. او را ایستاده در حال نماز یافتم، و نماز به درازا کشید. سپس گفت: امشب پنج چیز برایم داده شد که به هیچ نبی ای پیش من داده نشده است: بسوی همه مردمان فرستاده شدم، با هیبت یک ماهه [سفر بر دشمنان] نصرت داده شدم، زمین برایم مسجد و [خاک آن] پاک کننده گردید، غنائم برایم روا گردانیده شد، و برایم گفته شد: آنچه بخواهی برایت داده خواهد شد. پس من این [فضل و بخشش] را برای شفاعت امتم نگهداشتم، و انشاء الله شفاعتم برای کسی که با خداوند شریک نیاورد ثابت است.»

این حدیث با اسناد متعدد و با الفاظ کمی متفاوت در چندین مسندهای حدیث روایت شده است. روایت ابوذر غفاری ازین حدیث در «حلیة الأولیاء» ابونعیم، «المستدرک علی الصحیحین» الحاکم نیشاپوری، و «مجمع الزوائد» الهیثمی نقل شده است.

خود را گفت: من کریم ام، ﴿فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ [النمل: ۴۰].

مصطفی را گفت: وی کریم است، ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ [الحاقة: ۴۰ و التکویر: ۱۹].

خود را گفت: من مبین ام ﴿أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۲۵].

مصطفی را گفت: وی مبین است، ﴿وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ﴾ [الحجر: ۸۹].

خود را گفت: من شهیدم، ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۷۹].

مصطفی را گفت: وی شهید است، ﴿وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱].^۳

خود را گفت: ﴿وَاللَّهُ يَدْعُو﴾ [البقرة: ۲۲۱ و یونس: ۲۵].

مصطفی را گفت: ﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُهُمْ﴾ [المؤمنون: ۷۳].^۴

خود را گفت: من هادی ام، ﴿بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ﴾ [الحجرات: ۱۷].^۵

مصطفی را گفت: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الشوری: ۵۲].^۶

به حق خود گفت: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾ [المائدة: ۵].^۷

مصطفی را گفت: ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ [الحجرات: ۲].^۸ «إِلَى قَوْلِهِ ﴿أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ﴾

^۳ ترجمه: «و ترا گواه بر این‌ها بیاوریم».

^۴ «هرآینه تو ایشان را فرا می‌خوانی [به راه راست].»

^۵ «خداوند بر شما منت می‌نهد که راه دادتان به ایمان.»

^۶ «و تو راه می‌نمایی به راه راست.»

^۷ «و هرکه کفر آرد بعد از ایمان، نیست شد هرچه کرده بود [پیش از آن].»

^۸ «آواز خویش را بر آواز پیامبر بلند نکنید.... تا مبادا اعمال شما حبطه شود.»

همه عالم مرا گواهی می دهند، من ترا گواهی می دهم: ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ﴾ [الرعد: ۴۳].^۹

همه در من دعوی می کنند، من در تو دعوی می کنم: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ﴾ [الفتح: ۲۹].

همه مرا می خوانند، من ترا می خوانم: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾.

همه مرا می ستایند، من ترا می ستایم: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ﴾ الآیات [البقرة: ۱۱۹، الأحزاب: ۴۵، فاطر: ۲۴، الفتح: ۸].

همه مرا ثنا می گویند، من ترا ثنا می گویم: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ [الأحزاب: ۵۶].

همه از من آزادی می کنند، و من از تو آزادی می کنم: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵].^{۱۱}

همه از من [طلب] شفاعت می کنند، و من از تو شفاعت می کنم: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ﴾ [آل عمران: ۱۵۹ و المائدة: ۱۳].^{۱۲}

همه خشنودی من می طلبند، من خشنودی تو می طلبم: ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾ [الضحى: ۵].^{۱۳}

مصطفی را دو نام داد، دو ندا ظاهر و دو ندا کنایت کرد، و دو جهادش فرمود، و دو امت‌اش داد، و دو صنف یارانش داد، و دو قبله داد، و دو عطا داد، و دو مقام داد، و دو شفاعت.

اما دو نام: احمد و محمد.

احمد از همه ستاینده‌تر، محمد از همه ستوده‌تر. همه انبیاء ستاینده حق اند، و وی ستاینده‌تر، و همه ستوده حقو وی ستوده‌تر. از بس که وی حق را ستود، نامش احمد آمد. از بس که حق وی را ستود، نامش محمد آمد. ارکان نماز بر صورت نام احمد: قیام چون الف [ا]، رکوع حا [ح]، سجده چون میم [م]، قعدہ چون دال [د]. و اعضای آدمی در صورت نام محمد: سر چون میم، دست‌ها چون حا، اشکم چون میم، پایان چون دال.

^۹ «بگوی که بسنده است خدای تعالی گواه میان من و شما.»

^{۱۰} آزادی: شادی، خرمی، خشنودی (لغت‌نامه دهخدا).

^{۱۱} «گرویده است پیامبر به آنچه به وی فرو آورده شد.»

^{۱۲} «عفو کن ایشان را.»

^{۱۳} «و هر آینه بدهد خدای عزوجل آنچه در رضای تست.»

هرکه یکی را دوست دارد، نام وی بر همه چیزها نقش کند. حق عزوجل مصطفی را دوست داشت، بر همه چیزها نقش فرمود: بر ساق عرش، بر حجاب عرش،^{۱۴} و قرص شمس، بر وجه قمر، بر ابواب جنت، بر اوراق اشجار، ... بر جناح ملک بر قطب فلک، در آذان و قامت این نام است، در تشهد مصلیان این نام است، تمام ایمان کافران به این نام است.

اما دو ندای ظاهر: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾.

همه انبیا را به نام علامت خوانند: یا آدم، یا نوح، یا ابراهیم، یا لوط، یا صالح، یا شعیب، یا موسی، یا داود، یا عیسی بن مریم. و مصطفی علیهم السلام [را] بنام کرامت خواند. آنگاه گفت: ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ [النور: ۶۳].^{۱۵} چون به نام کرامت خواندم، شما به نام علامت بخوانید.

اما دو ندای کنایت: ﴿طه﴾ و ﴿یس﴾. ﴿طه﴾: یا رجل، یا بدر.^{۱۶} ﴿یس﴾: یا سید المرسلین.

و اما دو جهاد: جهاد الکفار والمنافقین.

و اما دو امت: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ﴾ [الأنعام: ۱۳۰ و الرحمن: ۳۳].

و اما دو صنف یاران: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ﴾ [التوبة: ۱۰۰].^{۱۷}

و اما دو قبله: اول بیت المقدس، باز کعبه.

و اما دو عطاء: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي﴾ [الحجر: ۸۷].^{۱۸} ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتِرَ﴾ [الکوثر: ۱].^{۱۹}

و اما دو مقام: مقام شهود در شب معراج، و مقام محمود در روز قیامت.

و اما دو شفاعت: در این دو مقام [شهود و محمود].

^{۱۴} این لفظ که بدون نقطه نوشته شده است یعنی همانند «عرس»، ممکن است که «غرس» خوانده شود که هم به معنای تنه درخت بوده می تواند و هم نام چاهی است در مدینه که پیامبر اکرم آن را وصف کرده است. همچنان، ممکن است که این لفظ «عرش» خوانده شود.

^{۱۵} امام نسفی در ترجمه و تفسیر این آیت در «تفسیر نسفی» می نویسد: «خواندن خویش مر رسول را چون خواندن خویش مر دیگران مپندارید، یعنی: وی را محمد و احمد و ابوالقاسم خطاب مکنید، بلکه یا رسول الله و یا نبی الله گویند».

^{۱۶} امام نسفی در «تفسیر نسفی» در تفسیر طه می نویسد: «طه: ای مردِ مردانه، و گویند: ای ماه شب چهارده. و گویند: سوگند به طول ما و هدایت ما. و گویند: سوگند به طینت و همت مصطفی».

^{۱۷} «پیشاهنگان نخستین از مهاجران و انصار».

^{۱۸} «و دادیمت هفت آیتی از دوتاییها»، یعنی سوره فاتحه.

^{۱۹} امام نسفی در تفسیر نسفی می نویسد: «ما دادیمت حوض کوثر بدان جهان، و گویند دادیمت نبوت، و گویند قرآن، و گویند بسیار یاران، و گویند خبرهای فراوان».

می فرماید که دوستی وی دوستی من است، دشمنی وی دشمنی من است:

موالات^{۲۰} وی موالات من است: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [المائدة: ۵۶].^{۲۱} معادات^{۲۲} و مخالفت وی،

معدادات و مخالفت من است: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [الأنفال: ۱۳].^{۲۳}

ایمان به وی، ایمان به من است: ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [النساء: ۱۳۶]. کفر به وی، کفر به من است: ﴿وَمَنْ

يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾ [النساء: ۱۳۶].

طاعت وی، طاعت من است، نصرت وی، نصرت من است: ﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [الحشر: ۸]. رضای

وی، رضای من است: ﴿وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ﴾ [التوبة: ۶۲].^{۲۴}

آزار وی، آزار من است: ﴿يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [الأحزاب: ۵۷].^{۲۵} اجابت وی، اجابت من است: ﴿اسْتَجِيبُوا

لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ﴾ [الأنفال: ۲۴].

بیزاری وی، بیزاری من است: ﴿بِرَاءةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [التوبة: ۱].^{۲۶} خیانت با وی، خیانت با من است:

﴿لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾ [الأنفال: ۲۷].

هجرت به وی، هجرت به من است: ﴿مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [النساء: ۱۰۰].

پیشی کردن بر فرمان وی، پیشی کردن به فرمان من است: ﴿لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [الحجرات:

۱].^{۲۷} عزت وی، عزت من است: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [المنافقون: ۸].

^{۲۰} موالات: دوستی و پیوستگی داشتن با کسی. عهد بستن با کسی. کسی را متولی خود گرفتن.

^{۲۱} «هرکه خداوند و رسول او را متولی خویش بگزیند» یا «هرکه خداوند و رسول او را به دوستی بگیرد».

^{۲۲} معادات: عداوت و دشمنی کردن با کسی. مقابل موالات.

^{۲۳} «هر کسی که با خداوند و پیامبر او مخالفت ورزد».

^{۲۴} «خدا و رسول او سزاوارتر اند که خشنود ساخته شوند».

^{۲۵} «[آنانی که] خداوند و پیامبر او را می‌رنجانند».

^{۲۶} «این بیزاری است از جانب خدا و پیامبر او».

^{۲۷} «بر خداوند و پیامبر او پیشدستی نکنید».